

تا دو سال دیگر مجموع بدهی آمریکا از ۱۰ تریلیون دلار تجاوز خواهد کرد

رقم چهاردهم

منتقدین، سیاست های اقتصادی رابین هودی معکوس (Reverse-Robin Hood Economic Policies) نام گرفته، دیگری واقعه ۱۱ سپتامبر و جنگ علیه تروریسم، که مخالفان آن را جنگ تروریستی (War of Terror) می نامند.

تحلیل

عدم توازن در اقتصاد آمریکا به حدی رسیده و حجم دیون فدرال به میزانی افزایش یافته است که بازپرداخت آن محال به نظر می رسد. در واقع امروزه صحبت از این است که نسل های آینده باید تاوان سوء سیاست ها را بپردازند. همین امر موجب شده گروهی متوجه علت العلل و مسئول اصلی نابسامانی ها شوند و در این زمینه تقصیر را متوجه ریچارد نیکسون رئیس جمهور اسبق (۱۹۷۳-۱۹۶۸) نمایند. اینان نیکسون را به دلیل قطع رابطه دلار با طلا و همچنین ایجاد رابطه با جمهوری خلق چین که زمینه ساز مناسبات اقتصادی و هجوم صادراتی به آمریکا شد مسئول می دانند. البته اشکال کلی این است که آمریکا در سی ساله اخیر بیش از آنچه تولید کرده، هزینه و مصرف داشته است. این امر در کسری های دوگانه بودجه و تجارت که در سال ۲۰۰۵ به ترتیب ۳۱۹ میلیارد دلار و ۸۰۴/۹ میلیارد دلار بوده نمایان است. حجم عظیم دیون انباشته که نتیجه هزینه بیش از درآمد است و در کسری های دوگانه نمود یافته تنها نظر منتقدان سیاست های آمریکا را جلب نکرده، بلکه به تازگی مقامات رسمی نیز در این باره هشدار می دهند. از جمله «بن برنانکه»، رئیس جدید فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) در ماه فوریه ۲۰۰۶ کتابچه کنفرانس اعلام کرد که کاملاً نگران دورنمای میان مدت و درازمدت وضعیت نابسامان بودجه و حجم عظیم کسری تجاری و کسری حساب جاری است. وی افزوده است کسری های عظیم آمریکا سطح زندگی آتی را در معرض خطر قرار خواهد داد.

به تعبیر رئیس فدرال رزرو این کسری به مثابه بمب ساعتی است که که در سال ۲۰۰۸ منفجر خواهد شود. مقصود او از بمب ساعتی بازنشسته شدن متولدان سال های ۱۹۴۶ تا (Baby boomers) ۱۹۶۴ است. جورج

چنانچه ۹ تریلیون دلار بدهی آمریکا به صورت سکه یک دلاری روی هم قرار داده شود، ۲/۵ برابر فاصله زمین تا کره ماه می شود

در واقع جمعاً بیش از ۳ تریلیون دلار دیگر به حجم

جدول (۱)

سقف بدهی
میلیارد دلار

سال

۲۰۰۲ ۴۵۰

۲۰۰۳ ۹۸۴

۲۰۰۴ ۸۰۰

مارس ۲۰۰۶ ۷۸۱

بدهی های آمریکا افزوده گشته و رقم آن به ۸۷۹ تریلیون دلار رسیده است. این رقم معادل ۷۰/۳ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) آمریکاست. به زعم «اریان ویلسون»، مفسر شبکه تلویزیونی فاکس نیوز (هوادار حکومت)، چنانچه ۹ تریلیون دلار به صورت سکه یک دلاری روی هم قرار داده شود ستونی با ارتفاع ۶۰۰ هزار مایل یعنی ۲/۵ برابر فاصله زمین تا کره ماه ایجاد می شود.

در باره علت افزایش سطح بدهی های آمریکا و تعدد دفعات سقف مصوب در دوران بوش گفته می شود این امر دو علت دارد: یکی سیاست داخلی کاهش مالیات ها، که چون فقط ناظر به افراد ثروتمند است از سوی

اواخر اسفندماه ۸۴ (۱۷ مارس ۲۰۰۶) کنگره آمریکا براساس درخواست وزارت خزانه داری آن کشور با افزایش سقف میزان بدهی آمریکا از ۷۱۸۴ تریلیون دلار به ۸۷۹ تریلیون دلار موافقت کرد. در اوایل سال ۲۰۰۶ وزیر خزانه داری آمریکا با ارسال نامه برای نمایندگان ذی نفوذ در خصوص وضعیت خطیر مالی و امکان عدم توان دولت در تادیه دیون خود هشدار داده و خواستار اقدام عاجل شده بود.

در واقع امر نیز با استناد به مندرجات پایگاه الکترونیکی وزارت خزانه داری آمریکا چنین امری حادث شد و در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۶ میزان بدهی دولت آمریکا ۸۱۸۵۳ تریلیون دلار یعنی به بیش از سقف مصوب رسید و این دولت از لحاظ حسابداری قادر به پرداخت دیون نبود. به همین لحاظ، وضعیت پیش آمده با استقراض از صندوق بازنشستگی سروسامان داده شد.

پیشینه

بین بدهی آمریکا با مداخله جویی های حکومت این کشور ارتباط مستقیم وجود دارد. البته تا زمانی که ذخایر و منابع آن کشور و امور و فعالیت های ثروت زا برقرار و در ید اختیار بود میزان بدهی ها با روندی بسیار کند افزایش می یافت، پس از آن، و در سال های اخیر به ویژه پس از روی کار آمدن نومحافظه کاران و حکومت بوش، این روند سرعت دائم التزایدی یافته است.

در سال ۱۹۶۰ کل بدهی آمریکا ۲۹۱ میلیارد دلار بود. این رقم در سال ۱۹۸۱ و آغاز حکومت ریگان به یک تریلیون دلار رسید. از ریگان نقل شده که وی این بدهی را غیرقابل قبول و غیرقابل درک ارزیابی می کرد. در سال ۱۹۸۹ و در پایان دوره ریگان میزان بدهی آمریکا به ۲/۷ تریلیون دلار رسید. در خلال دوران ۱۲ ساله بعدی (بوش پدر و کلینتون) بدهی آمریکا ۳/۲۵ تریلیون دلار افزایش یافت و به ۵/۹۵ تریلیون دلار رسید.

جورج بوش، رئیس جمهور فعلی و اطرافیان نومحافظه کارش در سال ۲۰۰۱ وضعیت را به این نحو تحویل گرفتند. اما ظرف پنج سال گذشته در چهار نوبت سقف مجاز بدهی ها طبق جدول (۱) افزایش یافت.

خواهد کرد. لذا اقدامات بوش غیر عقلایی و به نحوی است که گویا فردایی برای ادای دین و پرداخت دیون وجود ندارد. ولی اگر کسی بر این باور باشد طبعاً امروز تا آنجا که می تواند قرض به بار می آورد.

البته نقطه عزیمت در این رویکرد عدم پرداخت بدهی نیست، بلکه تأکید بر این امر است که در آینده نزدیک و بر اثر تحولات بین المللی پول ارزش فعلی خود را از دست خواهد داد و اصولاً اهمیتی ثانوی خواهد یافت. به این معنی که باروند کنونی افزایش جمعیت جهان و به خصوص در نتیجه تحولات اقتصادی و جهانی شدن که خیل عظیم کنار نشسته گان را وارد فعالیت های اقتصادی خواهد کرد، یعنی همان روندی که جلوه آن در چین و هند نمایان است، منابع و ذخایر محدود و تمام شدنی کنونی پاسخگوی نیازها نخواهند بود.

اولین و مهم ترین مصداق این امر پیشی گرفتن مصرف بر تقاضای نفت و یاد بهترین حالت برابر شدن این دو است. در خصوص سایر ذخایر و منابع مهم نیز چنین وضعیتی اتفاق خواهد افتاد. در واقع در برآیند تحولات و بر اثر کمی منابع، بسیاری از اقتصادها به حاشیه رانده شده و یا به طور کلی از دور خارج خواهند شد. بدین ترتیب و سرانجام افراد، گروه ها و دولت هایی سلطه موجود و به ویژه مناطق و مخازن انرژی تسلط یابند. پول و ارز در آن شرایط اهمیت ثانوی خواهد داشت. علی الظاهر بوش و هیات حاکمه آمریکا با در نظر داشت چنین آینده و عاقبتی چنان رفتار و سیاست هایی از جمله سلطه بر ذخایر انرژی را در پیش گرفته اند و در این راه از هزینه کردن و زیر بار قرض بیشتر رفتن ابایی ندارند.

در پایان به این نکته اشاره می شود که رئیس یک شرکت مستغلاتی آمریکا در سال ۱۹۸۹، یعنی در اواخر دوران حکومت ریگان، به عنوان خدمتی ملی ساعتی عظیم و نمایانگر میزان بدهی فزاینده آمریکا را در نزدیکی منطقه پرفرت و آمد "تایمز اسکوئر" شهر نیویورک نصب کرد تا شاید دولتمردان چاره ای برای کاستن از بدهی های آن کشور بیابند. حرکت شمارشگر این ساعت در سال ۲۰۰۰ متوقف شد، ولی در سال ۲۰۰۲ یعنی هنگامی که بدهی فدرال به ۶/۱ تریلیون دلار رسید و باروندی شتابان افزایش یافت، شمارشگر ساعت حرکت از سر گرفت. هم اکنون با توجه به افزایش مداوم بدهی ها و اطمینان از اینکه تا دو سال دیگر و قبل از خاتمه ریاست جمهوری بوش میزان بدهی های ایالات متحده از ۱۰ تریلیون دلار فراتر خواهد رفت طراحان ساعت در اندیشه چاره جویی اند؛ زیرا ساعت قادر به نمایش ۱۳ رقم است و توان نشان دادن ۱۴ رقم را ندارد. ●

نظامی خود با قرض و نسبه زندگی می کند (Consumer Spending) توسط مردم و Deficit Spending توسط حکومت). طرفه آنکه طرف های دیگر به دلایلی چون حفظ ارزش پول ملی و برای جلوگیری از تقویت آن برای تداوم صادرات خود به آمریکا به همکاری با این کشور پرداخته و کار را ادامه می دهند. ولی این وضعیت قابل دوام نیست و بحران در پیش است. نظر دوم از زوایای قابل تامل به دو موضوع سیاست آمریکا در تهاجم به عراق و همچنین سیاست های غیرمستولانه اقتصادی مالی آن دولت می نگرد:



الف - تهاجم به عراق: گروهی از صاحب نظران سیاست بوش در حمله به عراق را شکستی کامل ارزیابی می کنند. ولی شکست در انجام چه کاری؟ به باور آنان اگر هدف از حمله به عراق دموکراتیزه کردن آن کشور، از بین بردن سلاح های کشتار جمعی و یا سرکوب تروریسم بوده است، سیاست بوش را قطعاً باید شکست خورده تلقی کرد. ولی اگر دلیل اصلی از حمله به عراق سلطه بر نفت آن کشور باشد، آن هم نه برای استفاده فوری، در این صورت می توان سیاست بوش را موفق ارزیابی کرد.

ب- اداره غیرمستولانه اقتصاد آمریکا و دیون انباشته آن کشور: در این خصوص نیز قضیه به همان نحو است. همگان می دانند که کاستن از درآمد از طریق کاهش مالیات ها، یعنی کاری که دولت بوش انجام داده است، و در عین حال افزایش هزینه ها کسری و بدهی در پی دارد. این امر نیز مسلم است که نمی توان بی وقفه بر حجم بدهی ها افزود و دیر یا زود عواقب این امر بروز

بوش و بیل کلینتون، روسای جمهور فعلی و قبلی ایالات متحده از این گروه هستند.

«دیوید واکر»، حسابرس ارشد دولت آمریکا (Comptroller General)، نیز در مصاحبه با روزنامه «یواس اتودی» در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۵ وضعیت آمریکا را از لحاظ نابسامانی امور مالی کاملاً مشابه با اوضاع امپراتوری روم، البته در آستانه سقوط، توصیف کرده است. درباره اینکه چرا آمریکا به چنین وضعیتی دچار شده و اوضاع نابسامان کنونی معلول چه عواملی است اخیراً دو نظر مطرح شده است:

به موجب نظر اول اوضاع فعلی برآیند امور و سیاست های آمریکا در سه دهه اخیر است. یعنی از طرفی ثروت ها و ذخایر طبیعی و همچنین وسایل و منابع ایجاد ثروت تمام، غیر قابل استفاده و یا به مناطق و کشورهای دیگر منتقل شده است. از سوی دیگر به جای حکومت متعارف یک دولت امپریالیستی (An Imperial U.S Government) سلطه پیدا کرده است.

به موجب این نظر اقتصاد آمریکا به مثابه یک هرم است که پایه آن بر منابع و ذخایر طبیعی نظیر نفت و ذخایر معدنی، کشاورزی، شیلات و جنگلداری و سایر منابع ثروت خدادادی استوار بوده است. در سطح بالاتر هرم صنایع تولیدی ایجادکننده ارزش افزوده و در رده بالاتر شرکت ها اعم از کشتیرانی، هواپیمایی، امور حقوقی، تبلیغاتی و نظایر آن قرار داشته اند. در سه دهه اخیر پایه هرم و منبع اصلی ثروت دیگر توان ندارد. یعنی نفت و گاز دیگر صادراتی نیست و تکافوی نیاز داخلی را نیز نمی کند. تولید انبوه زغال سنگ نیز، به دلیل مسائل زیست محیطی امکانپذیر نیست. در عین حال چوب و محصولات جنگلی ارزان تر، از کانادا و سایر نقاط وارد می شود و... همچنین به دلایلی چون اقتصاد آزاد و جهانی شدن و یا تلاش هایی که برای به زانو درآوردن کمونیسم صورت گرفته صنایع تولیدی به خارج از آمریکا و عمدتاً به چین و سپس سایر نقاط منتقل شدند، در مقابل ایالات متحده سطوح بالاتر هرم اقتصادی را در اختیار داشت. بر اثر تحولات بعدی در عرصه فناوری پیشرفته و نیز در بخش های خدمات و مدیریت، کشورهای بسیاری از امکانات جدید برخوردار شدند و در عمل پس از ثروت ها و ذخایر طبیعی منابع و وسایل تولید ثروت از اختیار آمریکا خارج شده است. اما مخارج و هزینه ها نه تنها کاهش نیافته، بلکه سیاست های امپریالیستی حکومت به نحو فزاینده ای بر میزان این هزینه ها افزوده است. در نتیجه آمریکا با بهره گیری از موقعیت دلار، به عنوان ارز مسلط بین المللی، و همچنین استفاده یا در واقع سوء استفاده از موقعیت مسلط سیاسی و



خدمت هر قدر بزرگ باشد از نظر ما کافی نیست

✓ خدمات تعاونی :

- افتتاح حسابهای پس انداز قرض الحسنه و حواله برای اشخاص حقیقی و حقوقی.
- افتتاح حساب سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلند مدت و پرداخت سود علی الحساب روز شمار بیش از موسسات مشابه .
- پرداخت سود قطعی حسابها (۴ و ۳ درصد) بیشتر از نرخ علی الحساب در سنوات قبل .
- وصول چکهای واگذاری مشتریان از تمام بانکها در کمترین زمان ممکن .
- امکان استفاده از سیستم SMS به منظور اطلاع رسانی از انواع حسابها

✓ ارائه خدمات روز دنیا در دستور کار ماست.

- ایجاد زمینه استفاده از کارتهای الکترونیکی با امکان نگهداری تا ۷ نوع حساب.
- تهیه و نصب دستگاههای خودپرداز ATM با قابلیت پیشرفته دریافت و پرداخت.
- واریز و برداشت از حسابها بصورت ONLINE در سراسر کشور ۲۴ ساعته در ۷ روز هفته.
- تهیه و نصب سیستمهای گویا از قبیل تلفن بانک و ارسال و اعلام اطلاعات تعریف شده.
- ایجاد امکان استفاده از Internet Banking جهت انجام امور مشتریان از طریق رایانه شخصی.

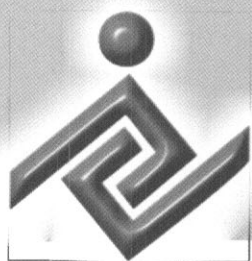
« منتظر خدمات نوین ما باشید »

نرخ سود علی الحساب سپرده ها

سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت	۱۳ %	تعاونی اعتبار ثامن الائمه علیه السلام به منظور جذب منابع مردمی در جهت ارائه خدمات بانکی نسبت به پرداخت سود
سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت ویژه (شش ماهه)	۱۵ %	به سپرده گذاران به صورت علی الحساب و نهایتاً اعطای سود قطعی در پایان هر سال مالی اقدام مینماید.
سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (یکساله)	۱۸ %	تعاونی اعتبار ثامن الائمه علیه السلام در راستای اهداف نظام بانکداری اسلامی
سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (دوساله)	۱۸/۵ %	پرداخت سود قطعی به سپرده گذاران را پس از تصویب صورتهای مالی پرداخت می نماید.
سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (سه ساله)	۱۹ %	
سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (چهارساله)	۱۹/۵ %	
سپرده سرمایه گذاری بلند مدت (پنج ساله)	۲۰/۵ %	

سود علی الحساب سپرده های فوق بطور روز شمار پرداخت میگردد

تعاونی اعتبار ثامن الائمه (علیه السلام)



شهر

اعتماد

سما

با حدود ۴۰۰ شعبه در سراسر کشور

ارائه دهنده خدمات مالی و اعتباری



دفتر مرکزی: تهران - خیابان گاندی - خیابان ۱۵ برج ثامن

تلفن: (۱۰ خط) ۸۲۰۷۲۲۲۰ - ۰۲۱ فاکس: ۸۸۷۹۳۴۹۳

E.mail: info@samentaavoni.ir

Web: WWW.samentaavoni.ir

روابط عمومی تعاونی اعتبار ثامن الائمه (علیه السلام)